



چریکهای فدائی خلق ایران

درس‌رزمین بخون آغشته

کلب‌رضا خان، سوزی، قره‌گل و...

چریکهای فدائی خلق ایران
درسزمین بهخون آغشته
کلبرضاخان ، سوزی ، قرهگل و...

چریکهای فدائی خلق
ایران

به خاطره

شهدای بخون خفته روستاهای کلبرضا خان
سنوزی ، قنره گل و تمام شهدای
گرانقدر خلق کنگرد
تقدیم می شود .

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

اسفندماه ۱۳۶۱

در مقابل یورش وحشیانه رژیم منفور جمهوری
اسلامی ، مردم دلیر گلبرضا خان (سرچار)
قره گل و سوزی قهرمانان ایستادند .

چندی پیش (۶۱/۱۱/۶) نیروهای
سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی به سه روستای گلبرضا خان (سرچار)
قره گل و سوزی حمله کرده و به وحشیانه ترین
شکل به قتل عام مردم دلاور این روستاها
پرداختند .

پاسداران ضد خلقی در این دهات در
مقابل چشم همه ، دیوانه وار به مردم هجوم
بردند ، زنان و کودکان را کشتند ، پسر

مزدان را سربريدند تا شايد نظم ضد خلقی
 جمهوری اسلامی را در این دهات برقرار سازند.
 این پادوهای حقیرا مپریالیسم که هر روز
 ضربات سنگینی از پیشمرگان دلاور خلق دریافت
 میکنند، در مقابل مردم غیر نظامی منطقه
 اینگونه عرض اندام مینمایند .

آنها با کشتار مردم بیدفاع قصد دارند
 در روحیه پیشمرگان که هستی اشان را برای
 آزادی خلق خود گذاشته اند، خلل وارد آورند
 غافل از آنکه پیشمرگان خلق کرد از چنان
 آگاهی والائی برخوردارند که بخوبی میدانند
 قتل و کشتار و شکنجه و از ماهیست
 رژیم های وابسته به امپریالیسم نشات
 میگیرد و آسایش خلق جز با نابودی دشمن و
 ارگانهای سرکوبگرش امکان پذیر
 نیست .

داغ ننگ جنایات قارنا ، قلاتان ،
 ایندرفاش و و

اینک کلبرضا خان و قره گل و سوزی
 برپیشانی مزدوران حلقه بگوش امپریالیسم
 حک شده و این البته افزون بر جنایاتی است
 که ارتش ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم
 جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان مرتکب
 میشود و هر روز با توپ و خمپاره و انواع
 سلاحهای آمریکائی و اسرائیلی به
 قتل عام مردم می پردازد .

زمانی رژیم جنایت پیشه شاه با
 تاراج دادن ثروتهای ملی ما ، به خرید
 انواع و اقسام اسلحه های سبک و سنگین می
 پرداخت که بعدها رژیم خائن جمهوری اسلامی
 به بهانه جنگ ایران و عراق به شمار
 آنها افزود .

امروز معلوم میشود ، این رژیم های
 وابسته به امپریالیسم از تسلیح ارتش
 ضد خلقی ، چه آن هنگام که به نام ارتش
 شاهنشاهی خوانده می شد و چه

امروز که نام ارتش جمهوری برخود
نهاده است چه منظوری داشته‌اند .

همانطور که امروز در کردستان بر مـ
شده ، هدف آنان جز سرکوب مبارزات حق -
طلبانه خلق و تامین منافع غارتگرانه
امپریالیست‌ها نبوده و نیست .

" روستاهای کلبرضا خان (سرچنار)

قرهگل و سوزی را بهتر بشناسیم "

روستاهای فوق الذکر به فاصله
۲۰ - ۱۵ دقیقه از یکدیگر در سه کیلومتری
شهر میاندوآب قرار دارند .

قرهگل در حدود ۴۰ خانوار و سوزی
۱۵۰ - ۱۰۰ خانوار جمعیت دارد . در این
میان روستاهای کلبرضا خان با جمعیت
۵۰۰ - ۴۰۰ خانوار بزرگتر از دو روستای
سوزی و قرهگل میباشد . قبلا جمعیت این
روستا حدود ۷۰۰ - ۶۰۰ خانوار بود که
۴۰۰ - ۲۰۰ خانوار آن بعد از حمله رژیم
جمهوری اسلامی به کردستان به شهرهای
میاندوآب و مهاباد و بوکان مهاجرت
کرده اند .

روستاهای نزدیک به دهات فوق عبارتند از :

خان کندی ، قباکندی ، کوخان ، سول تپه ،
 سا روگامیش ، هاجی لک ، خطائی و
 که در این میان خطائی بوجود با زار
 محلی در آن شهرت دارد .

بیشترین درآمد مردم روستاهای
 کلبرضا خان ، سوزی و قره گل و از
 طریق کشا ورزی است با توجه به حاصلخیزی
 زمین و وجود باغات میوه روستائیان صاحب
 زمین وضع زندگی نسبتاً بهتری از روستائیان
 سایر نقاط کردستان دارند ولی روستائیان
 که از داشتن زمین محرومند مثل دهقانان
 سایر نقاط با اشتغال به کارهای گوناگون
 و با تناوب دوره های کاروبیکاری زندگی
 بخور و نمیزی را میگذرانند .
 آنها اغلب در تابستان در دوکوره
 آجری ای که یکی بین روستای سا روگامیش
 و کلبرضا خان و دیگری نزدیک ده سول تپه
 قرار دارد بکار می پردازند .

حمل نفت و گاز و تیل و دیگر لوازم زندگی از شهر به مناطق آزاد شده و حمل اجناس از یک بازار به بازار دیگر در منطقه آزاد و فروش آنها یکی دیگر از شغل‌های کسانی است که ماشین کمپرسی برای خود دست و پا کرده‌اند. حاصلخیزی زمین در این نقطه موجب آن شده بود که رژیم شاه، ب فکر بازپس گرفتن زمین‌ها از دهقانان و ایجاد مزارع کشت و صنعت و در این منطقه بیفتد و حتی اقدامات اولیه از قبیل کانال کشی در روستای کلبرضا خان انجام شده بود ولی مقاومت روستائیان در مقابل این طرح و سپس قیام خلُق در ۲۱ - ۲۲ بهمن مانع از پیاده شدن طرح فوق گشت.

قابل ذکر است که قبل از قیام با توجه به فشارهای اقتصادی مختلفی که از طرف دولت به روستائیان وارد می‌شد

بهره‌وری از زمین‌ها چندان صورت‌نمی‌گرفت ولی در منطقه آزادشده ، دهقانان دیگر از پرداخت وام زمین و باج‌های دیگررها شده‌بودند .

از اینرو مزارع سرسبزه سرعت‌رشد کردند باغات گسترش یافتند و دهقانان کم‌کم کشت و کار پررونقی پیدا کردند .

سوخت عمده مردم این روستاها همانند اغلب روستاهای کردستان از تپاله می‌باشد ولی وجود لوله‌کشی آب (در دره - کلبرضا خان هر ۵۰ خانوار از یک لوله شیرآب استفاده میکنند .) و توالتهائی در هر خانه و به دنبال این مسائل رعایت نسبی بهداشت از طرف مردم این روستاهای کردستان که آب چشمه یا آب رودخانه را برای شرب و پخت و پز مورد استفاده قرار میدهند و حتی گاه از داشتن توالتهای همگانی

نیز محرومند ممتما یز میسازد .

مدرسه نیز در این دهات وجود دارد و روستای کلبرضا خان علاوه بر یک مدرسه ابتدائی ، مدرسه ای برای دوره راهنمایی هست که دختران و پسران بطور مختلط در آن درس میخوانند و عده ای از آنان بعد از اتمام دوره راهنمایی برای تحصیل راهی شهرهای نزدیک میشوند .

در روستای کلبرضا خان در محوطه های خارج از دهه ۵۰ خانوار جزایمی زندگی میکنند قبل از حمله اخیر ارتش در تاریخ ۶۱/۷/۲۱ این روستاها از جمله روستاهای آزاد شده کردستان بشمار میرفتند . ولی در آن زمان نیز این روستاها و روستاهای اطراف در محاصره شش پایگاه بزرگ دشمن قرار داشتند یک پایگاه در ده سول تپه مشرف به کلبرضا خان قباکندی ، خان کندی ، کوخان و سوزی . پایگاه بزرگ دیگر در نزدیکی ده ساروگامیش

مشرف به کلبرضا خان و جاده کلبرضا خان
 به سوزی .

دوپایگاه در نزدیکی حاجی لک مشرف
 به ده حاجی لک ، ساروگا میش کلبرضا خان
 قره گل و جاده قره گل به آتابلاغی . دوپایگاه
 دیگر در میان این پایگاهها و مشرف به
 روستاهای فوق الذکر و به جاده میاتذوآب -
 بوکان . درختهای انبوه چنار ، باغات
 میوه و کانالهای تاکستانها در اطراف این
 روستاها ، سنگرهای طبیعی در مقابل دشمن
 بشمار میرفتند و رودخانه پیرآبی بنام چوم
 مجیدخان که این روستاها را از جاده بوکان -
 میاندوآب جدا میکند مانع از رفت و آمد
 پاسداران به منطقه میشد .

مردم این منطقه از آگاهی سیاسی
 چشمگیر ، روحیه مبارزاتی قوی و شهامت و
 فداکاری تحسین انگیزی برخوردارند و همین
 امر باعث آن شده که دشمن علیرغم گروگان -

گیری های بیشترمانه زنان و کودکان ، هرگز نتوانست خلی در اراده مردم سلحشور این منطقه وارد آورد و آنها را به تسلیم وادارد .

نمونه ای از برخورد قهرمانانه این منطقه را میتوان در واقعه زیر مشاهده کرد .

در سال ۶۰ روستای سا روگا میسش (روستائی در کنار جاده میان دو آب - بوکان) برای اولین بار مورد حمله دشمن واقع شد ، دشمن قصد داشت بقول خودش این روستا را " پاکسازی " نموده و بوجود خود ملو شش سازد ولی مقاومت دلیرانه مردم روستا مانع از اینکار شد . مزدوران ارتشی و پاسدار شکست خورده اینبار شبانه به روستا ریخته و به قطع درختان اطراف روستا پرداختند و روزها خمپاره های آتش را مزارع و باغات روستا - میان را سوزاندند . در طی کشتاری که ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی در این ده بسراه انداخت ، مردم روستا حدودا ۲۰ نفر شهید

دادند .

با این ترتیب ارتش به خیال خود روستای سا روگا میش را با اصطلاح پاکسازی نمودولی مزدوران هنوز از روستائیان و اهمه داشته بطوریکه بیشتر شبها روستا مورد یورش ارتش بدخلقی قرار میگرفت . جنایت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که با هریورش وحشیانه نیروهای سرکوبگرش ، خلقی به خاک و خون میافتد و خسارات مالی به مردم وارد میاید ، کینه و نفرت عمیق همراه با روحیه پولادین و مبارزه جویانه در مردم این منطقه بوجود آورده است .

در این میان زنان ستمکش منطقه که ستم دوگانه بر آنان بخصوص در کردستان با بر جستگی هر چه بیشتری مطرح است از چنان روحیه پرشوری برخوردارند که توجه هر ناظری را بخود جلب میکند . در ده سا روگا میش هنگامیکه معلوم شد که یکی از زنان ده پس از با اصطلاح

پاکسازی به خدمت ارتش درآمده است . زنان ده بامشت و لکدبه جان او افتادند و وی را از ده بیرون کردند .

زنان این روستا اغلب برای جلوگیری از دستگیری شوهرانشان آنها را شبانه روانه روستاهای دیگر میکردند و خود یک تنه در برابر تجاوزات پاسداران که گاه و بیگاه به دهشان هجوم میآوردند به مقاومت می پرداختند .

زنان در این هجومهای شبانه چه حماسه ها که نمی آفریدند آنها فرزندان کوچکشان را در سینه شان میفشردند و باناسزاگوئی و کتک ، پاسداران را از خانه هایشان بیرون می انداختند . پاسداران گاهی موفق می شدند این زنان را با خود با سارت ببرند .

" گزارشی از روستای کلبرضا خان
(سرچنبار) "

با توجه به فعالیت مبارزاتی رفقای
مادر بهار سال ۶۰ در این روستا اینک به شرح
وقایعی میپردازیم که حاصل مشاهدات عینی
رفقای ماست .

مدتی از استقرار مادر روستای کلبرضا -
خان نمی گذشت که در تاریخ ۶۱/۳/۲۸ سوجه
حمله رژیم به روستا شدیم . رفقا به سرعت
آماده شده و به مقابله شتافتند . گلوله های
کالیبر ۵ و قناسه و خمپاره از هر سو بر سر
روستا باریدن گرفت و رفقا در سنگرهای مناسب
به تیراندازی متقابل برخاستند . مردم مسلح
ده " هیزی برگری " به سرعت بکمک رفقای
ما شتافتند و در جبهه جنگ هر یک در سنگری قرار

گرفتند . درگیری همچنان ادامه داشت
 زنان نگران و مضطرب با سراسیمگی به انجام
 وظایفی از قبیل رساندن آذوقه و آب به
 سنگرهای پرداختند . در این هنگام پیشمر
 - گهای حزب دموکرات نیز به کمک رفقای
 ما آمدند .

جبهه جنگ هرچه وسیعتر شد . از هر یک از
 پایگاههای دشمن مزارع ، خانه و کاشانه مردم
 با خمپاره و کالیبر ۵۰ کوبیده میشد ولی این
 باران گلوله مانع از یاری رساندن مردم
 به پیشمرگه ها و زخمی ها نمیشد .

مردم قبل از اینکه نگران باغات و
 مزارعشان یا نگران گا و گوسفندانشان
 باشند بکرجان فرزندان صدیق خود ،
 پیشمرگه ها بودند . درگیری حدوداً ۵ ساعت
 بطول انجامید و طی آن بنا به گفته مردم
 ۸۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند . دشمن
 در شهر میان دو آب بخاطر این تلفات ۲ روز

عزای عمومی اعلام کرد و خبر درگیری از رادیوهای رژیم و رادیوهای خارجی هرچند بصورت مسخ شده پخش گردید .

در اولین ساعت درگیری یکی از رفقای ما از ناحیه سینه زخمی شد که با انتقال بموقع او به بیمارستان توانست از مرگ نجات یابد . سپس یکی از پیشمرگان حزب دموکرات از ناحیه سر زخمی شد که در جابشهادت رسید . و یک نفر از هیزی برگری از ناحیه نخاع زخمی شد و قبل از اینکه مردم موفق به رساندن او به بیمارستان گردند شهید گردید .

پس از اتمام درگیری مردم دسته جمعی در حین خواندن سرود " ای رقیب " (سرود ملی خلق کرد) به استقبال پیشمرگه ها شتافتند . هر کس در خانه خود را با ز گذاشته و با اصرار زیاد میخواست پیشمرگه ها با میهمان شدن در خانه او وی را سرافراز نماید . از اینکه نیروهای سرکوبگر خلق مجبور

به عقب نشینی شدند و مردم پیشمرکه های خود
 را سالم در میان خود میدیدند اشک شوق در چشم
 های آنان از زن و مرد گرفته تا کودک خرد -
 سال حلقه زده بود .

روزهای بعد ارتش در صدد انتقام جوئی
 برآمد و با خمپاره های آتش از مرتب باغات و
 مزارع روستائیان را مورد هدف قرار میداد .
 بیشتر مزارع ، باغات سیب و انگور در اثر
 این یورشهای وحشیانه سوختند ولی این اعمال
 ضد خلقی کمترین تزلزل و سستی در اراده
 روستائیان آزاده کلبرضا خان بجای نگذاشت .
 آنها در گشتی های شبانه ماکه پس از
 استقرار در روستا هر شب تا صبح انجام میدادیم
 به نوبت شرکت میکردند .

و از این اقدام ما بسیار خوشحال
 بودند چه مزدوران رژیم وابسته به
 امپریالیسم جمهوری اسلامی
 از هیچ اقدامی برای تجاوز به جان و مال

مردم ابانداشتند و مردم نمونه‌های بسیاری از اقدامات ضد خلقی مزدوران رژیم از جمله در روستای ساروگا می‌ش را به یاد داشتند ، آنها می خواستند هنگامیکه ارتش به روستائیان هجوم می‌آورد هوشیار بوده و به مقابله برخیزند .

چهار روز بعد از درگیری کلبرضا خان پاسداران ضد خلقی صبح ساعت ۴ بروستای " خان کندی " حمله ور شدند مردم به مقاومت برخاستند در لحظات اول درگیری ۲ نفر زخمی و چند نفر دستگیر شدند ماکه پس از شنیدن خبر حمله خود را با شتاب به روستای خان کندی رسانیدیم در بین راه به چند جوان

روستائی اهل کلبرضا خان برخورداریم که
 تن بخون آلوده یکی از مردان روستای خان
 - کندی رازیباران خمپاره و گلوله به
 طرف پشت جبهه میبردند . یکی از آنها به مرد
 زخمی دلداری میداد و میگفت مطمئن باش
 که روزی تمامی این جنگ و خونریزیها تمام
 خواهد شد . مردم از انتقام از این وحشی ها
 (ارتش و پاسداران) باز نخواهند ایستاد
 و هنگامیکه ما به ده رسیدیم
 پاسداران با شنیدن ورود پیشمرگه به
 ده پابفرار گذاشتند .

سپس از پایگاههای دشمن خمپاره
 و گلوله های کالیبر ۵۰ و قناسه بر سر مزارع
 میبارید . اکثر ازنان در ده بودند که
 فریاد میزدند ، ناسزا می گفتند و با مشت های
 گره کرده پاسداران ضد خلقی را تهدید میکردند
 مزدوران و سایل زندگی مردم را بهم ریخته
 و سایل باپهن طویله ها قاطی شده بود .

عده‌ای از زنان که برای جلوگیری از دستگیری مردان با مزدوران رژیم گلاویز شده بودند شدیداً از آنها کتک خوردند . کودکان با چهره‌های نگران زیر دست و پای گاو و گوسفند و می پلکیدند . بدون آنکه دقیقاً بدانند امپریالیسم جهان‌خوار و سگان زنجیریش چه سرنوشت شومی را برای آینده آنان تدارک می بیند و چگونه مادران و پدران آن مبارزانشان در کنار پیشمرگان قهرمان خلق برای به‌ترسازی آینده آنان به تلاش پرداخته‌اند . چه مبارزه سترگی میان پاسداران شب و بشارت‌دهندگان روزهای درخشان آزادی در جریان است .

علیرغم تمامی بدبختی‌ای که یکبار به مردم آن روستا روی آورده بود آنها با همان مهربانی همیشگی و روحیه با ما را به خانه - هایشان دعوت میکردند . در هنگام بازگشت زنی را که از ناحیه دست در اثر اصابت گلوله

ژ - ۳ زخمی شده بود با خود به روستای کلبرضا -
 خان آوردیم تا راهی بیمارستان شود . این
 زن از چنان روحیه والای مبارزاتی برخوردار
 بود که تک تک رفقا را شدیداً تحت تاثیر قرار
 داده بود و با مساله زخمی شدن خود چنان بر
 خورد کرد که گوئی مساله‌ای کاملاً طبیعی و
 پیش پا افتاده است .

حتی برای رساندن خود به پشت جبهه
 عجله‌ای به خرج نمیداد و با روئی شاداب با ما
 تا مقصد آمد . فردای آن روز مطلع شدیم که
 ارتش با زهم به تلافی ضربه شستی که از مردم
 روستای خان کندی دریافت کرده بود با تمام
 درنده خوئی باغات و مزارع روستائیان را زیر
 باران خمپاره و گلوله‌های کالیبر ۵۰ قرار
 داده است . در اثر این حمله وحشیانه یکی از
 اهالی روستای خان کندی شهید شد .

چند راس از گاوهای روستائیان کشته
 شده و مزارع بشدت آسیب دید . مزدوران ارتشی

و پاسداران از هروسپله‌ای برای بزانشو در
 آوردن مردم این منطقه استفاده میکردند .
 روزی راه ورود بشهر را به آنان بسته و اجازه
 رفت و آمد بانها ندادند ، روزی زنان شان
 را به اسارت میبردند و بچه‌های خردسال را که
 در کنار رودخانه به گاوچرانی مشغول بودند
 میربودند ، روزی روستا را بگلوله خمپاره
 و کالیبر ۵۰ می بستند و روز دیگر مزارعشان
 را میسوزاندند و شبانه به خانه‌هایشان حمله
 میکردند . ولی مقاومت این مردم قهرمان
 در برابر تجاوزات رژیم ، این سگ زنجیری
 امپریالیسم هر روز بیشتر و بیشتر میشد .
 و مردم هر روز با دامه مبارزه مصمم تر
 میشدند . اگر رژیم مزارعشان را میسوزاند ،
 روز بعد آنها بمزارع شتافته و با صبر و شکیبائی
 بیش از حد به بازسازی آن میپرداختند . اگر
 خانه‌هایشان خراب میشد ، دوباره به ساختن آنها
 اقدام میکردند . این وضع بارها و بارها

تکرار شده بود ولی مردم با میدانابودی ارتش ضد خلقی و دستیابی به آزادی از پای نمی نشستند. اگر در حملات شبانه مردها مجبور به ترک خانه میشدند ، زنان با چوبدستی و تیسر و چنگک پشت دربان نظار و رود پاسداران می ایستادند (این را ما یکبار از نزدیک مشاهده کردیم ، ولی پاسداران آن شب نیامدند) هنگامیکه ما " فیلم سنندج (۱) را در روستای کلپرخان نمایش دادیم جمعیت زیادی حتی از روستاهای اطراف با اشتیاق تمام برای دیدن فیلم شتافتند . صحنه های دلخراش این فیلم آنجا که ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی سنندج قهرمان را با توپ و خمپاره میکوبد

(۱) - فیلم " مقاومت سنندج " را سازمان ما سال ۵۹ در جریان جنگ خونینی که ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی در سنندج به راه انداخت ، تهیه نموده است .

آنجا که خون از پای زخمی بریده شده، و دل و روده بیرون ریخته شده فوراً می‌کند، آنجا که دست‌ان جنایتکار حتی کودکان جنینی را قبل از گشودن چشم بروی دنیا همراه مادرانشان میکشند، آنجا که خمپاره‌ها مدارس را ویران می‌سازند و بیمارستان‌های صحرایی پیشمرگه‌ها از کودکان زخمی مدارس انباشته می‌شود. آنجا که جوانان دلیر سنج سنگرمی کنند و پیرمرد و بچه خردی و رجوانان در ساختن سنگرها هستند آنجا که زنان آنجا که پیشمرگه‌ها همه و همه صحنه‌های آشنائی برای این مردم ستمکش و مبارز بودند مردم بارها و بارها می‌خواستند این فیلم را تماشا کنند، آنها زندگی خود را در این فیلم می‌دیدند و سرنوشت غم‌انگیز اما دوران ساز خویش را در آن جستجو می‌کردند.

ما گاهی اوقات شبانه به روستاها می‌نظیر سا روگامیش، سول تپه، حاجی لک که روزها در اشغال دشمن بود، یا دشمن

شبان به آنجا حمله میبرد میرفتیم . اینکار
برای دستگیری ویاتهدیدجاشهای (۱) محل
صورت میگرفت .

مردم هر بار که ما را میدیدند انگار که
جان تازه ای گرفته اند ، جوش و خروش وصف -
ناپذیری در ده بوجود میآمد . در یکی از
روستاهای این منطقه به مادر قهرمانی
برخوردیم که سه پسر خود را در راه انقلاب فدا
کرده بود .

اونه تنها هیچگونه گریه و زاری نمیکرد
از گریه دیگران نیز جلوگیری میکرد . او از
خصال انقلابی و فداکاری پسرانش برای جمع
صحبت میکرد . وی میگفت ما باید به پسرانمان

(۱) - مردم مبارز کردستان عناصر
خود فروخته و خائن به خلق را جاش می
نامند . این کلمه در فرهنگ مبارزاتی
خلق کردکجا ملاجا افتاده و معنی لغوی آن کوره
خراست .

و به راهشان ایمان داشته باشیم . مافقط
 با محکم کردن ایمانمان و استواری در عقیده
 - مان میتوانیم روح آنان را شاد و پیادشان
 رازنده نگه داریم .

قابل توجه است که در بیشتر قبرستانهای
 این روستاها شهدای بخون خفته خلق آرمیده اند
 و روستائیان آن قبرها را با پارچه های سرخ
 پوشانده اند . این قبرهای سرخ متعلق به
 کودکان و زنان و مردان دلآوری است که
 در اثر توپ و خمپاره رژیم در چند سال اخیر
 به شهادت رسیده اند .

شاید باور کردنی نباشد که چگونه ایمن
 مردم این روستاها علیرغم نزدیکی پایگاه -
 های دشمن ، همواره در معرض خطر بودند نشان
 علیرغم وجود جاشهای مخفی در روستاها ، از
 هیچگونه کمکی به پیشمرگان دریغ نمیکنند
 آنها هستی خود را در وجود پیشمرگان مسلح خلق
 می بینند و در هر موقعیتی با عشق تمام به

یاری فرزندان مبارز خود می شتابند .
 سرعت عمل رفقای مادرشافتن بمقابله
 بادشمن و فداکاری و ازجان گذشتگی شان
 و برخورد های انقلابی که با مردم داشتند ،
 چنان تاثیری در مردم این روستاها به جا
 گذاشته بود که مردم هیچوقت در مقرر ، ما را
 تنها نمی گذاشتند . آنها دسته دسته به مقرر
 ما می آمدند و از ما می خواستند که آنها را مسلح
 کنیم آنها را سازماندهی کنیم و پیشنهاد
 میدادند که چه کارهایی از طریق شهرهای اطراف
 میتوانند برای سازمان ما انجام دهند .
 دختران این منطقه که از آگاهی سیاسی
 چشمگیری برخوردار بودند ، نزد پیشمرگه های
 ما (رفقای زن) می آمدند و خواستار آموزش
 نظامی میشدند آنها از جاده ها و شهرهای تحت
 اشغال دشمن برای ما خبر می آوردند و اعلامیه
 و نشریات ما را به شهرهای می بردند . مردم با
 تمام وجود به حمایت مادی و معنوی از رفقای

مأمی پرداختند، دیگریکروزهم نهار وشام رادرمقرنمی خوردیم ومردم مارابه خانه های خودمیبردند، آنهاحتی وسایل زندگی از قبیل پتو ، موکت برای ماتهیه میکردند وازروستاهای اطراف روستائیان کمکهای مالی خودرابه سازمان ما میرساندندبراستی که این همه شور مبارزاتی ، اینهمه استقامت، بزرگترین ضامن موفقیت خلق وشکست دشمن است وهمین روحیه مقاوم وسلحشورانهدرنزد مردم دلیرکردستان است که علیرغم تمام ضعف رهبری درکردستان ، به دشمن اجازه نداده است سلطه منحوس خردرادراین خطه از خاک میهنمان برقرارسازد .

دراینجا مردم مشوق رهبری درادامه پیکارخونین هستند . دراینجا مردم درمقیاس زیادی امکان سازشکاری را ازهرکسی کشته سودای آنچنانی درسداشته باشندمیگیرند . دراینجا مردم بامبارزات حق طلبانهاشان

زداينده خط ومشى هاى هستند كه پيروانشان
 را تحت پوشش نمايندگى از طبقه كارگر به كنج
 بسته كارخانه ها ميكشاند .

" اشغال روستاهائى كلبرضا خان ،
 قره گل ، سوزى و از
 طرف دشمن "

در تاريخ ۶۱/۷/۲۱ دشمن از سه طرف
 و دريك زمان به روستاهائى كلبرضا خان ، سوزى
 و قره گل يورش آورداين يورش برخلاف تصورنه از
 طريق رودخانه بود و نه از طريق كانالها . دشمن
 از سه جهت يورش خود را آغاز كرد . از يك
 طرف از روستاهائى خان كندى و قبا كندى .
 از طرف دوم شامات و بالاخره از طريق پل
 حسين مامه .

وباین ترتیب روستاها را از هر طرف در محاصره خود قرار داد و راه عقب نشینی مردم بمنطقه آزاد شده بسته شد . هر چند که تعداد پیشمرگه‌ها در جریان این حمله چندان چشمگیر نبود ، ولی اینرا نیز باید ذکر کرد که اینبار دشمن با نیروی بسیار زیادی حمله را آغاز کرده بود در روستای کلب رضا خان مطابق معمول ، مردم (هرکس اسلحه‌ای در اختیار داشت) وهیزبرگری سریعتر از دیگران متوجه حمله گشته وبه مقابله شتافتند .

دروهله اول بیشتر خانه‌هایی که در اطراف ده بودند در اثر اصابت خمپاره و توپ ویران گشتند . واغلب زنان و کودکان این منازل زیر آوار مانده ، کشته یا زخمی شدند . علیرغم اینکه روستا از هر طرف در محاصره ارتش بود ، با اینحال مردم دست از مقاومت برنمیداشتند . تمام سطح کوچه‌ها از خون کشته‌ها وزخمی‌ها پوشیده شده بود . مردم تا آنجا که در توانشان

بود از پاسداران و ارتشیان کشتند . درگیری سه روز طول کشید . مردم زخمی ها و حتی جنازه شهدا را شبانه از حلقه محاصره بیرون کشیده و به پشت جبهه و اغلب روستاهای و طمیش و قالو ه که در فاصله دوری نسبت به کلبرضا خان و دیگر روستاهای تحت اشغال دشمن قرار دارند میبردند . و قابل توجه است که بیشتر این کارها را زنان انجام میدادند . دیگر روستا از سکنه تخلیه شده بود مردم روزها در کانالهای تاکستان در میان درختان پناه میگرفتند و شبانه کودکان و پدران ، مادران و برادران و خواهران و همسران زخمی و بالاخره هر آنچه برای آنان عزیز بود از اجساد شهدا تا گاو و گوسفندهایشان را از ده خارج میکردند و پس از پیمودن مسافتی زیاد و گذشتن از کمین پاس-داران خود را به منطقه آزاد شده میرساندند . در این ده پیشمرگه ها فقط یک روز مقاومت کردند پس از اشغال دهات توسط ارتش ضد خلقی

جمهوری اسلامی عده‌ای خانه وکاشانه خود را به منطقه آزاد شده منتقل کردند و آنها که در این روستاها ماندند همچنان کوشیده اند بطریق گوناگون همکاری خود را با پیشمرگان مسلح خویش ادامه دهند .

رژیم با تمام ددمنشی‌هایش هرگز نتوانسته است خللی در اراده پولادین مبارزانی مردم این منطقه وارد آورد و یورش وحشی - یانه تر آنان در ۶/۱۱/۶۱ و قتل عام مردم این روستاها نیز رژیم وادر رسیدن به اهداف پلیدش ناکام ساخته است .

رژیم نه با اشغال مناطق آزاد شده ، نه با قتل عام مردم ، هرگز قادر نخواهد بود آتش مبارزه خلق را خاموش سازد . مردم ستم‌دیده زمین می‌خواهند ، زمینیکه بدون اضطراب از دست اندازی سرمایه‌داران وابسته بان بتوانند کشت وکار کنند . بدون آنکه رژیم ستمکاری بروی سرانان باشد که به

بهانه‌های مختلف آنها را سرکیسه کند . مردم خواهان اداره امور اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی به دست خود می‌باشند . مردم بهداشت مدرسه ، آزادی صحبت کردن بزبان خود و می‌خواهند . مردم می‌خواهند آزاد زندگی کنند ، آنها خواهان خودمختاری اند

خودمختاری که بدون قطع دست امپریالیسم ز تمام شئون اقتصادی - اجتماعی ایران بدست نمی‌آید و سرانجام این تمامی خلقهای رزمنده ایران خواهند بود که با همبستگی مبارزاتی شان تحت رهبری طبقه کارگر ، در طی جنگی توده ای طولانی پوزها امپریالیسم و سگهای زنجیریش را به خاک میمالند .

* * * * *

" ارتش ضد خلقی و ضرورت
اتحاد عمل نیروهای
مبارز "

جناياتی که ارتش امپریالیستی و زائنده
جدیدش سپاه پاسداران در روستاهای قهرمان
پور کلب رضا خان ، قره گل و سوزی مرتکب
شدند ، و فجایع ننگینی که هر روز در کردستان
و در این یا آن گوشه در میهن در بند ما انجام
میدهند ، نه اولین و نه آخرین جناياتی است
که از این ارگان ضد خلقی سر زده است ارتشی
که امروز بنام ارتش جمهوری اسلامی خوانده
میشود همان ارتش شاهنشاهی است که بدست
امپریالیستهای خونخوار انگلیس و آمریکا
بنا شده . شکل بندی این ارتش ، سیستم

حاکم بر آن سازو برگ و بطور کلی هستی آن وابسته به امپریالیست‌هاست و بالطبع افسار آن نیز بدست جهان‌خواران سفاک امپریالیست می‌باشد که بنا به سیاست‌های نواستعماری، این ارگان ضد خلقی را در اختیار این یا آن سگ زنجیری خود قرار میدهند .

مردم ستم‌دیده ما چهره‌پلید و جنایتکار این ارتش را از سالیان دراز بخوبی شناخته‌اند چه آن‌زمان که رضا خان قلدربا آن به سرکوب جنبش‌های ملی نظیر جنبش گیلان به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی و جنبش ملی آذربایجان برهبری خیابانی پرداخت و چه بعدها که رژیم منفور شاه فجایع ننگینی به کمک این ارتش آفرید، لشکرکشی به کردستان و به خون کشیدن جمهوری خودمختار خلق کرد برهبری قاضی محمد، قتل عام بیش از ۲۵ هزار نفر در آذربایجان در سال ۱۳۲۵، ساقط کردن حکومت ملی دکتر مصدق و روی کار آوردن مجدد

رژیم ترور و اختناق شاه طی کودتای ۲۸ مرداد
 قتل عام مردم بیگناه تهران و شهرهای قیام
 کننده دیگر در ۱۵ خرداد سال ۴۲ ، کشتار
 فرزندان راستین خلق چون شریف زاده ،
 معینی ، ملاآواره در کردستان همه محصول
 عملکردهای بیشرمانه ارتش است .

در آغاز مبارزه مسلحانه در ایران
 (رستاخیز سیا هکل) نیز این ارتش بود که
 با توجه به احساس خطری که از آغاز یک مبارزه
 جدی و همه جانبه توسط چریکهای فدائی خلق
 ایران میکرد ، فرماندهی سپهد جنایتکار
 اویسی جنگلهای شمال را محاصره نمود .

در جریان خیزش مردم در اوایل خرداد
 شاه ، ارتش امپریالیستی برای مقابله با
 جنبشهای ضد امپریالیستی تودهها بمقابله
 برخاست . صحن دانشگاهها و مدارس را به خون
 آلود . استاد نجات الهی ها را کشت ، کشتار
 دانشآموزان مبارز در ۱۳ آبان و کشتار

وسیع خلق در ۱۷ شهریور را بر اه انداخت و پس از آن همه جنایت و رسوائی تنها پس از امپیر - یالیسم استفاده از ناآگاهی توده‌ها و در فقدان یک جریان انقلابی وسیع توانست دارودسته خمینی را بعنوان " رهبر " به توده‌ها جا بزند با جنبش خلق با اصطلاح اعلام همبستگی نمود این با اصطلاح اعلام همبستگی صرفاً زمانی صورت گرفت که ارتش مطمئن شد که بجای سگ زنجیری قبلی ، سگ زنجیری جدیدی بنام رژیم جمهوری اسلامی روی کار آمده است .

مساله اساسی برای ارتش آنست که در خدمت تامین منافع غارتگرانه امپریالیسم در اختیار رژیم قرار گیرد که امپریالیسم آنرا بعنوان سگ زنجیری خویش برگزیده است از این نظر این یا آن رژیم و ایسته با امپریالیسم برای او فرقی ندارد .

ولی اگر رژیم خونبار خمینی از همان ابتدا و به عنوان اولین و اساسی ترین اقدام

خودبه با زسازی ارگانهای ضربه خورده ارتش پرداخت و دستگاہهای تبلیغاتی رژیم با بوق و کرنا، هر روز و هر ساعت اعلام " برادری " ارتش با ملت را میکرد، چهره پلید و جنایتکار ارتش خونبارتر از آن بود که با بزکهای فریب - کارانه رژیم تزئین یا بدو اتفاقا هنوز فریادهای گوشخراش " ملت فدای " ارتش و تمام نشده بود و هنوز جریانات سیاسی سازشکار و فرصت طلب به جمع آوری دلیل و شواهد برای ضدامپریالیست و خلقی معرفی کردن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مشغول بودند، که یکبار دیگر ارتش چهره جنایتکارش را رو نمود و با حمله به کردستان در بهار سال ۵۸ گویا ترا زهرمدرک و دلیلی نشان داد که کماکان ارتشی با ماهیت امپریالیستی و ضد خلقی است و آن مراسم شیرینی خورانی برای تغییر نامش از ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی، فریبی

بیش نبوده است . هیئات گه اگراین موضوع را مردم سراسرایران کم و بیش میفهمیدند و مردم آگاه ودلیبرکرد آنرا با پوست و گوشت خود لمس میکردند ، جریانات سیاسی فرصت - طلب و کسانیکه بنا به توهمات خویش رژیم خمینی را رژیم مردمی ، رژیمی که گویا قادر به تامین حقوق خلقهای ایران است ، تلقی میکردند ، آنرا نفهمیدند ، یاسعی در نفهمیدن موضوع کردند .

هرچند رژیم خمینی در ابتدای روی فریب توده ها تا کید داشت وما هیت امپریالیستی خویش را در پس کلمات وشعبده بازیهای با - صلاح ضد امپریالیستی پنهان میساخت ، ولی در پرتو دیدی روشن وعلمی وبا توجه بواقعیات امرکاملا میشد بما هیت ضد خلقی رژیم خمینی پی برد . کما اینکه سازمان مادر همان ابتدا پرده از چهره فریبکار رژیم درید و آنرا بعنوان رژیم وابسته با امپریالیسم به توده ها معرفی

کرد و در همین رابطه بود که سازمان ما فریب هیچیک از شعبده بازیهای رژیم جمهوری اسلامی از قبیل اشغال سفارت آمریکا، براه انداختن انتخابات برای مجالس خود ساخته و..... را نخورد عدم شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی از طرف سازمانهای سیاسی ایران موجب آن شد که آنها در کار فریب توده ها، یا ورژیم خمینی شوند و اتفاقاً قبل از اینکه اقدامات مزورانه رژیم موجب فریب توده ها گردد، تبلیغات و عملکردهای فرصت طلبانه و دوراز واقعیت سازمانهای سیاسی ای موثر افتاد که در آرایش و تزئین چهره کثیف رژیم خمینی و توجیح سیاستهای ضد خلقی او گوی سبقت را از یکدیگر میربوندند، مثلاً آنها برای مجالس خود ساخته رژیم به جمع آوری رای پرداختند و تصور میکردند که گویا در مبارزات انتخاباتی شرکت کرده اند. آنها حتی گمان نیز نمسی بردند که رژیم هرگز اجازه نخواهد داد احدی

از نمایندگان خلق در مجلس شرکت کند. آنها
 نمیدانستند که رژیم با اصطلاح اجازه شرکت
 در مبارزه انتخاباتی به سازمانهای سیاسی
 داده است صرفاً بخاطر موجه جلوه دادن مجالس
 خود ساخته اش و خام کردن توده ها نیست که
 در پشت سر آن سازمانها قرار دارند، آنها
 فرسنگها از این واقعیت تلخ بدور بودند که
 همینکه پایه های رژیم استحکام یابد، نما-
 یندگان آنان را بجرم اینکه چند روزی عکس-
 هایشان بنام نماینده از درو دیوار آویزان
 بوده است به جوخه های اعدام خواهند سپرد.
 این سازمانها در آن روزها اینگونه خود
 وتوده ها را فریفتند و یکی از بهترین دوران
 جنبش ضد امپریالیستی خلق را قربانی تما-
 یلات غیر علمی و خیالپردازی خود کردند.
 آنچه در بررسی این دوره از حیات جنبش و
 عملکردهای گذشته سازمانهای مختلف اهمیت
 اساسی دارد پی بردن به یکی از مهمترین

ایرادات آنان یعنی عدم شناختشان از ماهیت ارتش ضد خلقی است .

بدون شک هر دولتی بر سر کار آید برای حاکم ساختن نظم مورد نظر خویش به نیروی مسلحی احتیاج خواهد داشت ، ولی آیامی توان دولتی مردمی بود و به ارتش ضد مردمی تکیه داشت ، آیامی توان دولتی ضد امپریا - لیست بود ولی با ارتشی که هستی اش از امپریا - یالیسم و ادامه حیاتش منوط به آنست ، راه را بر تمامین منافع غارتگرانه امپریالیسم بست . آیابا چنین ارتشی میتوان از اقتصاد سیاست و فرهنگ ملی خلق حفاظت نمود ؟

ولی فرصت طلبان بیش از این بخطا میرفتند ، آنها در این توهم بودند که گویا با اعدام و سر به نیست شدن چندتن از فرماندهان و سران ارتشی و بنا به توبه ای که گویا دیگر فرماندهان به درگاه خلق کرده اند ، ارتش تغییر ماهیت داده است . حقیقتی که از دیده جریانات سیاسی

ایران پنهان بود و متأسفانه حتی امروز هم پنهان ماند . این است که تا ارتش بعنوان عمده ترین عامل بقای امپریالیستی در میهن مابقی است ، هرگز انقلاب ضدامپریالیستی خلق مابه پیروزی نمیرسد . درست است که در درون ارتش پرسنل انقلابی وجود دارد ولی حساب این پرسنل را باید از کل ارتش بعنوان یک نهاد امپریالیستی جدا کرد . هنگامیکه مبارزه در سطح جامعه رشد یابد ، این پرسنل نیز عملکردهای انقلابی از خود نشان میدهد و انقلاب باید در حالیکه در جهت نابودی ارتش ضد خلقی به پیش میرود از انرژی انقلابی این پرسنل در جهت تقویت خود استفاده نماید .

تا زمانیکه سازمانهای سیاسی ایران به ماهیت ضد خلقی ارتش پی نبرند ، در صحنه سیاست همچنان بعنوان نیروئی فرصت طلب و سازشکار بوده و انرژی انقلابی خلق را به هدر خواهند داد .

امروز پس از چهار سال مبارزه مسلحانه خلق کرد، چهره خونبار ارتش پیش از پیش افشا شده . جنگی که رژیم وابسته بامپریالیسم جمهوری اسلامی مدت چهار سال است به خلق کردتحمیل نموده، اگرکشتار خلق، ویرانی خانه‌ها، قحطی، دربدری و مصائب فراوان دیگر بار آورده مردم از آن درسهای گران - بهائی نیز آموخته‌اند .

همچنین یورش سراسری رژیم به خلق که خود انعکاس شدت یابی مبارزه طبقاتی در جامعه و رشد آگاهی خلق میباشد، چنان شرایطی بوجود آورده که اکثر سازمانهای سیاسی را برخلاف گذشته به دادن شعار سرنگونی رژیم خمینی کشانده است .

امروز در مورد لزوم مبارزه علیه

رژیم وابسته بامپریالیسم جمهوری اسلامی توافق بی سابقه‌ای نسبت به گذشته بین نیروهای سیاسی جامعه به

وجود آمده است .

این امر علیرغم اینکه هنوز ایرادات اساسی و عملکرد و دیدگاه‌های (۱) جریان‌ات سیاسی فعال ایران وارد است بهترین زمینه را برای اتحاد عمل بین آن نیروها ئیکه در صحنه مبارزه عملاً علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند ، بوجود آورده است .

(۱) - بخصوص در رابطه با دیدگاه آنان نسبت به ارتش و تلقی آنان از رژیم خمینی که اغلب این رژیم رانه سگ زنجیری امیر - یالیم ، بلکه رژیم مستقلی میانگارند که گویا با سرنگونی آن ، بخودی خود سلطه امیر - یالیم هم از میهن ما برمیافتد ، و دمکراسی برقرار میشود ، آنها فراموش کرده اند که شاه رفت ولی با بجا ماندن امیر یالیم و روابط سرمایه داری وابسته در ایران ، اختناق همچنان و در ابعاد وسیعتری برقرار گشت .

برای ما چریکهای فدائی خلق ایران کشانده
 شدن دیگر نیروهای سیاسی به مبارزه هرچه
 رادیکالتر با رژیم جای بسیار خوشوقتی است.
 و ما ضمن تاکید بر نظرات سازمان خویش کسه
 صحت آنها را روند جنبش رقم زده است، معتقد
 -یم که باید این شرایط را برای اتحاد عمل
 با دیگر نیروهای مبارز مغتنم بشماریم.
 اتحادنیروهای انقلابی و مترقی نه در پشت
 میزهای مذاکره و در کنفرانسهای وحدت بلکه
 در صحنه مبارزه صورت می گیرد، زیرا که روند
 جنبش موجود چنان شرایطی میشود که اتحاد
 نیروها را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل
 می کند.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن
 به آزادی است
 پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها
 پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

برقرار باد اتحاد تمام نیروهای

انقلابی و تمام خلقهای سراسر ایران

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

اسفندماه ۱۳۶۱

* * * * *

هنگامیکه جزوه حاضر زیر چاپ میرفت مطلع

شدیم که ارتش ضد خلقی یکبار دیگر در

روستاهای کلبرضا خان ، سوزی ، خان کندی

جنایت آفریده است ، در تاریخ ۱۵-۱۴-۱۳

اسفندماه نیروهای سرکوبگردشمن سه روز

متوالی به روستاهای فوق الذکر ————

بردند و به اعمال ددمنشانسه ای گه شایسته

سگان زنجیری امپریالیسم است ،

دست زدند .

بگذار دشمن گمان برد که با اعمال

قهرضدانقلابی میتواند توده ها را از

شرکت در انقلاب بنا دارد و لکنی
 برعکس مردم با پی بردن به چهارمه
 ننگین او بیش از پیش به مبارزه
 روی می آورند و بیش از پیش برای
 نابودی او مصمم تر میگردند .

* * * * *

هرنا رضائی کوچک هر حرکت شک انگیز، هر سخن
ناخوشنودانه، از سوی او با بدترین عکس العمل
ها مواجه میشود. به زندان میاندازد، شکنجه
میگند، تیرباران میکنند با میداینکه امنیت
گذشته را بازگرداند. اما شیوه‌هایی که ناگزیر
بکار میگیرد، ناگزیر علیه خود او عمل میکند.
او میخواهد توده را از حرکت در حرکت انقلابی
بازدارد، ولی بعکس هر لحظه تعداد بیشتری
از آنان را به جریان مبارزه میکشاند. بدین
طریق او مبارزه را به خلق تعمیم میکند. او
که ادامه تسلط خود را بیش از همیشه دشوار می
بیند، تحیل این سلطه را برای خلق بیش از
همیشه دشوار میسازد. توده به مبارزه روی می
آورد، نیروی خود را در اختیار پیشاهنگانش
میگذارد و با شرکت فعالانه خویش استراژی
مشخص مبارزه انقلابی را تثبیت مینماید.
(رفیق امیر پرویز پویان)

از انتشارات: چریکهای فدائی خلق ایران